محمود میرلوحی، عضو سابق شورای شهر تهران:

بازگشت به عقب

بریسا هاشمی: رفتارهای غیرمتعارف در انتخابات‌ها مختص این دوره از انتخابات و مدیریت شهری نیست.

پیش و پس از هر انتخاباتی، چنین رفتارهایی در عملکرد برخی سازمان‌ها و ارگان‌ها مطرح می‌شود که شهرداری‌ها هم از آن مستثنا نیستند؛ به‌ویژه شهرداری تهران که معمولا در مظان این اتهامات و ادعاها بوده است.

این دوره اما جعفر شریانی، یکی از اعضای شورای شهر تهران، از فعالیت‌های انتخاباتی در اتاق علیرضا زاکانی، شهردار تهران خبر داد؛ آن‌هم دقیقا بعد از آنکه مردم در یخبندان مانده و دنبال یک پاسخ و عذرخواهی ساده از شهرداری بودند.

او در توییتر خود نوشت: «ضمن قدردانی از زحمات بی‌وقفه عوامل شهرداری تهران در مواجهه با برف سنگین دیروز باید‌آور می‌شوم:

سرگرم‌بودن در پستی بشتی اتاق شهردار تهران برای تقسیم غنایم و پست‌های مدیریتی و انتصاب شهرداران مناطق و کارسازی برای انتخابات سال آتی توسط برخی از افراد منتسب به ایشان باعث غفلت و ایجاد مسیر انحرافی و در نهایت ناکارآمدی در بخشی از اداره شهر تهران شده است. بدون تردید یکی از دلایل نارضایتی و طمع بیگانگان و دشمنان به نظام مقدس ایران اسلامی مقوله ناکارآمدی اجرای مدیریت اجرایی بوده است. جای حاکم و محکوم را با رندی عوض نکنیم...».

کارت‌های هدیه‌ای که این روزها شهرداری به افراد خاص می‌دهد هم نقل محافل خبری شده است و هستند کسانی که این موضوع را به همان توییت و فعالیت‌های انتخاباتی در پستی شهرداری نسبت می‌دهند.

محمود میرلوحی، عضو سابق شورای شهر تهران اما ریشه این فعالیت‌های انتخاباتی غیرعرف را در رفتار دستگاه‌های نظارتی دانسته و به «شرق» می‌گوید که مسائل مربوط به انتخابات مدت‌هاست دچار ناهنجاری شده است: «درحالی‌که شورای نگهبان در قانون اساسی، نگهبان قانون اساسی است. امروزه رفتار و تصمیمات شورای نگهبان درباره مسائل شرعی و قانون اساسی طوری است که اگر نظرسنجی شود، شورای نگهبان را به انتخابات می‌شناسند. درحالی‌که در اصل ۹۸ و ۹۹ قانون اساسی انتخابات از فروع وظایف این شورا بوده است».

او در تشریح دلیل نقش شورای نگهبان در انتخابات می‌افزاید که قبل از انقلاب در انتخابات مجلس اعمال نظر شده بود: «این تجربه باعث شد که اوایل انقلاب فکر کنند که باید هیئتی شامل شش فقیه و شش نفر حقوق‌دان مورد تایید قوه قضائیه که از مجلس رأی گرفته است، تشکیل شود تا با ظرفیت و قدرتی که دارد مراکز قدرت که در دنیا مشخص است نتوانند در انتخابات مختلف اعمال نظر نکنند و انتخاباتی آزاد و رقابتی به وجود آید. مهم‌ترین فلسفه واگذاری این مسئولیت به شورای نگهبان این بود که انتخابات آزاد، رقابتی و سالم تضمین شود.

تفسیر قانون اساسی در اختیار شورای نگهبان است و از سال ۷۴ تفسیرهایی را شروع کرد و پیش رفت تا امروز حق نظارت تا این حد پیش رفت که انتخابات رقابتی، آزاد و سالم آسیب دید. معیار انتخابات باید رقابت، آزادی و سلامت آن باشد».

میرلوحی معتقد است این روند کارآمدی لازم و مطلوب را نشان نمی‌دهد: «آنها رقبا را یکی پس از دیگری حذف کردند. یک زمانی اصلاح‌طلبان را حذف کردند که در انتخابات‌های ۹۸ و ۱۴۰۰ دیدید چه اتفاقاتی رخ داد. انگار این دایره آن‌قدر تنگ شده که مرکز آن (اصولگرایان) هم از دایره بیرون افتاده‌اند». این عضو سابق شورای شهر تهران می‌گوید: «در سال ۸۴ رئیس هیئت برگزاری انتخابات بودم.

در صورت برخورد با این موضوعات در آن زمان جلوی بسیاری از اتفاقات گرفته می‌شد. احمدی‌نژاد با استفاده از منابع شهرداری در شهرهای مختلف آش‌رشته و شله‌زرد تقسیم کرد.

جالب این است که کاهی مدیران را برای یک تخلف کوچک محاکمه می‌کنند؛ آن‌هم یک محاکمه پرسوصدا، اما با احمدی‌نژاد که تا این حد پول در کشور پخش کرد و ۳۶۰ میلیارد تومان آن زمان مصرف کرد که به اسناد فاقد سند معروف شد، هیچ برخوردی نشد.

به شورای شهر تهران که رفتم نتوانستم به اسناد و حتی نشانه‌ای از این ۳۶۰ میلیارد تومان دست پیدا کنم. صداوسیما هم ملاقات‌ها و سرکشی‌های احمدی‌نژاد را به کلیسا، کنیسه و... نشان می‌دهد و به ستاد تبلیغاتی یک نفر تبدیل می‌شود».

او تاکید می‌کند که در دوره پنجم مدیریت شهری برای انتخاب شهردار توجه کردیم کسی را انتخاب کنیم که نگاهش به پاستور نباشد: «در شهرداری باید برای شهر کار کرد و خوشحالیم که هیچ اقداماتی از برنیوپاش‌هایی که قبل از آن به کسترفتی وجود داشت، انجام نشد. گزارش اقدامات شهردار وقت را در ۱۸ تیر ۹۷ به سازمان بازرسی کل کشور دادم که به پرونده ۴۱ مورد در شهرداری معروف شد.

۴۱ مورد تخلفات و دادوستدهای بزرگ بود که در آخر هم مشخص نشد که سرانجام این پرونده به کجا انجامید و فقط می‌گفتند به آن رسیدگی می‌کنیم.

بازرسی شعبه پنجم دادسرای کارکنان دولت می‌گفت فقط یکی از آن پرونده‌ها ۵۰ جلد است. به دستگاه‌های نظارتی تذکراتی دادیم که چرا در جایی که باید حضور داشته باشید نیستید؟».

میرلوحی در پاسخ به این سؤال که معتقدید شهرداری به مدیریت دوران احمدی‌نژاد برگشته است؟ می‌گوید بله: «شهرداری به دوره احمدی‌نژاد و قالیباف برگشته است. در دوره پنجم مدیریت شهری رسانه‌های خاص درباره خرید تبلت که ابزار کار اعضای شورای شهر بود برای حذف کاغذ، چه بساطی راه انداختند! اما در حال حاضر دده‌ها برابر آن برای کاری که وظیفه شهرداری نیست، هزینه می‌شود.

به‌عنوان مثال نباید مراسم افطاری برپا کنند. در این شرایط اقتصادی کشور، دادن افطاری از بیت‌المال و منابع عمومی قابل تأمل است. قانون هم اجازه برگزاری این مراسم‌ها را نمی‌دهد. از دوره پنجم مدیریت شهری برگزاری مراسم افطاری لغو شد. اگر قرار باشد که قانونی رفتار شود باید با این موضوع برخورد کنند اما شاهد هستید که هیچ‌کسی به آن اعتراض نمی‌کند».

او از دادن کارت‌های هدیه توسط شهرداری به افراد خاص اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و می‌گوید اگر چنین موضوعی صحت داشته باشد، خلاف قانون است: «چرا دستگاه‌های نظارتی به این موضوعات واکنش نشان نمی‌دهد؟ در دوره اصلاحات دیوان محاسبات آقای حناچی (شهردار سابق تهران) را کلی بردند و آوردند که گزارش‌های مالی را به آنها ارائه کند درحالی‌که حسابرسی بودجه شهرداری بر عهده شورای شهر تهران بود.

حالا باید دید خبری از رسیدگی به این موضوعات منتشرشده می‌شود و پاسخی به افکار عمومی می‌دهند؟».

شورای ناشناس

نورا حسینی: «شیر بی‌یال و دم و اشکم؛ توصیفی است که برخی کارشناسان و فعالان حوزه شوراهای شهر و روستا از وضعیت این نهاد مردمی می‌کنند. تلاش دائمی برای بی‌اثرکردن این نهاد با کاهش اختیارات از دیگر کلایه‌های همیشگی جامعه شورایی از نهادهای تصمیم‌گیر و قدرتمند است. نهادهایی که حاضر نیستند اختیارات شوراها را به آنها بازگردانند و شوراها را در قدرت سهیم کنند. شورایی که حتی شهردارش پس از انتخاب چندان حرف آن را نمی‌خواند! اما همیشه در زمان اختلافات حفظ ظاهر می‌شود. برخی قدیمی‌های شورای شهر تهران معتقدند که شورای قوی همیشه حرف آخر را در شهر می‌زند و آن شورای ضعیف است که پس از انتخاب شهردار دیگر از قدرت می‌افتد. به اعتقاد آنها مدیران اجرایی باید از جوان‌ها انتخاب شوند؛ اما صندلی تصمیم‌گیری برای شهر باید در اختیار قدیمی‌ترها باشد که مدیریت را تجربه کرده‌اند. درحالی‌که شوراها خود را نماینده مردم در شهر می‌دانند؛ اما در آخرین نظرسنجی منتشرشده از سوی شهرداری مشخص شده بیش از ۷۰ درصد تهرانی‌ها از فعالیت‌های شورای شهر آگاهی دقیقی ندارند.

شهروندان غریبه با شهروندان

براساس نتایج آخرین نظرسنجی که در سامانه شفافیت با موضوع شورای شهر تهران و با عنوان «سنجش دیدگاه مردم شهر تهران درخصوص شورای شهر و ارزیابی عملکرد آن» بارگذاری شده و مربوط به ماه‌های پایانی دوره پنجم شورای شهر تهران است، ۷۶.۴ درصد شهروندان به میزان کم یا خیلی کم در جریان فعالیت‌ها و اقدامات شورای شهر تهران بوده‌اند و در مقابل تنها ۰.۸ درصد به میزان زیاد یا خیلی زیاد در جریان اقدامات این نهاد بوده‌اند. میزان اطلاع شهروندان زن و مرد از فعالیت‌های شورای شهر متفاوت بوده و مردان بیش از زنان در جریان فعالیت‌های شورای شهر هستند.

۳۰.۴ درصد شهروندان اطلاعی از عملکرد شورای شهر تهران نداشته‌اند. ۵۸.۱ درصد معتقدند شورای شهر در انجام وظایفش به میزان کم یا خیلی کم موفق بوده و تنها ۲.۳ درصد عملکرد شورای شهر را در انجام وظایفش موفقیت‌آمیز دانسته‌اند. ۲۹.۳ درصد شهروندان معتقدند عملکرد شورای شهر در مقایسه با دوره قبل بدتر شده است. ۸.۱ درصد گفته‌اند بهتر شده و ۳۹.۱ درصد بر این باورند که فرقی نداشته است.

بررسی اطلاع شهروندان از تعداد اعضای شورای شهر تهران نشان می‌دهد تنها ۱.۷ درصد شهروندان از تعداد اعضای شورای شهر تهران اطلاع دارند. ۱۳.۸ درصد شهروندان اطلاع نادرست داشته و ۸۴.۵ درصد اصلا اطلاع نداشتند.

۶۷.۶ درصد شهروندان از مهم‌ترین اقدام شورای شهر اطلاع نداشته‌اند و ۱۹.۲ درصد معتقدند کاری انجام نشده است. ۲.۹ درصد گسترش خطوط مترو و ۱.۴ درصد نام‌گذاری یا تعویض اسامی برخی خیابان‌ها را از مهم‌ترین اقدامات این دوره از شورای شهر تهران دانسته‌اند.

ارزیابی شهروندان از عملکرد شورای شهر در ابعاد مختلف نشان داد فقط ۸.۴ درصد شهروندان معتقدند شورای شهر در جلوگیری از شهرفروشی و ساخت‌وساز بی‌رویه موفق عمل کرده است و در مقابل بیش از نیمی از شهروندان (۵۵ درصد) معتقدند میزان موفقیت شورای شهر در این زمینه کم یا خیلی کم بوده است ۵۸.۱ درصد شهروندان معتقدند شورای شهر در نظارت‌های قرارداد و مبارزه با فساد چندان موفق نبوده و در مقابل تنها شش درصد شهروندان معتقدند شورای شهر در این زمینه به میزان زیاد یا خیلی زیاد موفق عمل کرده است. ۱۸.۵ درصد شهروندان معتقدند شورای شهر در حفظ باغ‌ها و فضای سبز شهر موفق عمل کرده و در مقابل ۳۴.۴ درصد معتقدند چندان موفق نبوده است.

اکثریت پاسخ‌گویان ۶۰.۶ درصد اعضای شورای شهر را نمی‌شناسند. ۱۵.۷ درصد گفته‌اند هیچ‌کدام موفق نبوده‌اند. ۳۵.۹ درصد شهروندان زنی شورای شهر را می‌شناسند و در مقابل ۴۱.۴ درصد اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. ۲.۶ درصد نیز گفته‌اند می‌شناسند؛ اما پاسخ‌شان اشتباه بوده و به گزینه‌هایی مثل قالیباف، چمران و حناچی اشاره کرده‌اند.

شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی که حنف هفته‌ای قبل از برگزاری انتخابات شوراها انجام شده، از زمان برگزاری این انتخابات آگاهی نداشته‌اند.

۲.۰۱ درصد از پاسخ‌گویان اصلا از زمان برگزاری انتخابات شورای شهر تهران برای دوره بعد اطلاع نداشتند. در مقابل ۴۱ درصد از تاریخ برگزاری انتخابات اطلاع داشتند. ۹ درصد می‌دانند در خرداد ماه برگزار می‌شود و از تاریخ دقیق مطلع نبوده‌اند و ۳.۹ درصد فکر می‌کردند از تاریخ برگزاری اطلاع دارند، اما پاسخ اشتباه دادند. در مجموع ۷۱ درصد شهروندان به طور دقیق مطلع نبوده‌اند که در ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ انتخابات شورای شهر برگزار می‌شود و در مقابل ۸۳ درصد از این موضوع بی‌اطلاع نبوده‌اند. ۵۱.۳ درصد از پاسخ‌گویان گفته‌اند به‌هیچ‌وجه در انتخابات شورای شهر شرکت نمی‌کنند. ۱۶.۸ درصد احتمالا و ۸.۶ درصد به احتمال زیاد در انتخابات شرکت می‌کنند. افراد ۵۰ سال و بالاتر بیشتر از دیگر گروه‌های سنی و ساکنان مناطق کمتر توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته بیشتر از ساکنان دیگر مناطق شهری تهران گفته‌اند حتما و به احتمال زیاد در انتخابات شورای شهر شرکت می‌کنند. از همه افرادی که قصد شرکت در انتخابات شورای شهر را دارند، ۵۱ درصد از آنها گفته‌اند هنوز تصمیمی نگرفته‌اند. ۱۹.۱ درصد به هیچ‌کدام رای نمی‌دهند و ۱۰.۵ درصد گفته‌اند به لیستی رای می‌دهند. همچنین از بین افرادی که قصد شرکت در انتخابات را دارند، ۸.۸ درصد به اصلاح‌طلبان و ۱۱.۷ درصد به اصولگرایان رای می‌دهند. ۱۵.۶ درصد گفته‌اند به هیچ‌کدام رای نمی‌دهند. ۱۱.۱ درصد بیان کرده‌اند لیستی رای نمی‌دهند و ۵۲ درصد هنوز تصمیم نگرفته‌اند.

۳۴.۸ درصد از پاسخ‌گویان گفته‌اند اگر تهران شورای شهر نداشت، وضعیت امروز فرقی نداشت. ۳۲.۲ درصد بیان کرده‌اند اگر تهران شورای شهر نداشت، وضعیت امروز از بدتر بود. ۱۶.۷ درصد نیز معتقد بودند اگر تهران شورای شهر نداشت، وضعیت امروز از بهتر بود. مردان بیشتر از زنان گفته‌اند اگر تهران شورای شهر نداشت، وضعیت از بهتر بود. در مقابل زنان بیشتر از مردان گفته‌اند اگر تهران شورای شهر نداشت، وضعیت امروز از بدتر بود.

از نهادها ۲۹.۴ درصد از پاسخ‌گویان وجود شورای شهر را برای شهری مثل تهران به میزان زیاد یا خیلی زیاد و ۲۲.۳ درصد به میزان کم یا خیلی کم ضروری می‌دانند. مردان به نسبت زنان وجود شورای شهر فعلی را برای شهر تهران به میزان زیاد دانسته‌اند.

شوراها را درقدرت سهیم نمی‌کنند

حجت نظری، عضو سابق شورای شهر تهران، درباره اینکه چرا با گذشت بیش از ۲۴ سال از تشکیل شوراها هنوز این نهاد به جایگاه واقعی خود نرسیده است، می‌گوید: از همان سال‌های اول انقلاب که تشکل‌ها در قوای سه‌گانه و نهادهای دیگر تشکیل شدند، هرکدام سهم خودشان را از قدرت برداشتند و عملا چیزی برای شوراها باقی نماند تا به‌عنوان وظیفه و اختیار بردارند و به آن عمل کنند. در واقع باید گفت شوراها از آنجا که دیرتر از بقیه نهادهای کشور در جمهوری اسلامی تشکیل شدند، آسیب‌پذیرتر از سایر تشکل‌ها بوده‌اند؛ چنانچه سال ۷۵ که سرانجام قانون شوراها نوشته شد و آمدند و تلاش کردند که یک‌سری اختیار به شوراها داده شود، کار به گونه‌ای پیش رفت که هیچ مرجعی حاضر نمی‌شد از اختیارات خودش کم کند و اختیاراتی را به شوراها بدهد. با وجود این اختیاراتی را برای شوراها در نظر گرفتند؛ از جمله اینکه بتواند شهردار انتخاب کند. در امور شهری در محدوده جغرافیایی خودش مقررات وضع کند یا بتواند عوارض وضع کند. طبیعتا ابتدای امر مقاومت‌هایی بود؛ اما با وجود مقاومت‌ها به دلیل اینکه هنوز در اجرا خودش را نشان نداده بود و تعارض منافع پیش نیامده بود، مقاومت‌ها خیلی جدی نبود؛ اما سال ۷۷ انتخابات شوراها برگزار شد و سال ۷۸ اولین دوره شوراها شروع به کار کرد، تازه بعضی نهادها و دسته‌ها متوجه شدند که مرجعی آمده و مشغول تعیین تکلیف است؛ آنها فهمیدند اگر تا روز قبل از آن، هر کاری دلشان می‌خواست در شهر انجام می‌دادند. حالا تشکلی به نام شورای شهر آمده و می‌گوید که نه، من باید در امور بهداشتی، فرهنگی، اجتماعی، عمرانی و... تصمیم بگیرم. اموری که پیش از شروع به کار شورای شهر هرکدام یک متولی در دولت داشت و دولت هم حاضر نبود اختیاراتش را واگذار کند...؛ بنابراین به‌مرور این قانون جند بار تا امروز اصلاح شده و هر بار که اصلاح شده، یک بخش از این اختیارات را تراشیدند. علت عمده آن هم فارغ از تعارض منافع، یک تفاوت دیدگاه اساسی است که شورای نگهبان در این مورد دارد. این‌گونه است که بسیاری از ادارات حتی حاضر به انجام تکلیف‌هایی که اصلا در حیطه آنها می‌گذارد، نیستند و در عمل، شورا باید تازه وقت آنها را بازگرداند. در واقع باید گفت که «یک پارلمان محلی» باشد، به «شورای شهرداری» تبدیل شده است. این قانون نقیصه است که البته یک «نقیصه قانونی» است و کاملا هم از شواهد و قرائن برمی‌آید؛ یعنی هم در نگاه شورای نگهبان و هم در نگاه مجلس و هم از آن طرف در نگاه دیگر مجریان کاملا این موضوع مشهود است.

او ادامه می‌دهد: قانون شوراها به‌عنوان یک قانون یکپارچه در سال گذشته بعد شد و هیچ تمایز و تفاوتی بین شهرهای مختلف دیده نشده است. مشخصا شما در یک شهر کوچک یا یک جمعیت محدود به‌راحتی می‌توانید هر روز به شهردار تذکر بدهید. از شهردار طرح سؤال کنید و شورا را استیضاح کند؛ یعنی شهردار آن‌قدر سرش شلوغ نیست که شورا اگر هر روز هم اعتراض کند، نتواند در جلسه شورا بیاید و پاسخ‌گو باشد؛ اما در شهری مثل تهران و حتی شهرهایی مثل مشهد، اصفهان و تبریز (شهرهای بزرگ) این امکان وجود ندارد. شهردار آن‌قدر درگیری دارد که ما شاهد این هستیم برای هر موضوعی حتی شهردار را خطاب قرار بدهید. از او سؤال یا او را استیضاح کنید. فرض کنید قلل شهردار مقطعه تخطفی می‌کند. آیا شما می‌توانید به شورای شهر بروید و از شورا بخواهید که استیضاح کنید؟! اصلا در این منطقی است؟ وقتی این امکان را از شورا می‌گیرند که بتواند دقیق‌تر نظارت کند و کل شهرهای کشور را به حرکت درآورد، به یک چیشه شاه می‌کنند. در عمل مشکل بزرگی پیش می‌آید. طبیعی است که در شهرهایی مثل تهران، شورا باید بتواند فراتر از شخص شهردار، معاونان شهردار، شهرداران مناطق، مدیران عامل سازمان‌ها و شرکت‌ها هم نظارت کند. این نظارت هم می‌تواند پیشینی و هم پسینی باشد. نظارت پیشینی به این مفهوم که شورا حتی می‌تواند به آنها رای اعتماد بدهد و استیضاح کند؛ یعنی هم اینکه در اجرا جایی که اینها درست عمل نمی‌کنند، به‌عنوان مثال شورا می‌تواند از مدیرعامل سازمان زیبایی در حصن شورا طرح سؤال کند و نهایتا او را استیضاح کند.

خود شورا نخواست قدرت نظارتی‌اش افزایش یابد

او که در شورای پنجم طرح ضمانت اجرای مصوبات شورا را مطرح کرد اما به سرانجام نرسید به «شرق» می‌گوید: متأسفانه شورا با این طرح همراهی نکرد. البته عرکسی از طرح خود باز این «عدم همراهی» چیست؟ مثلا یک‌سری از عزیزان گفت که من رأی به این طرح نمی‌دهم، چون اگر فردا روزی خودم شهردار شدم، این طرح دست‌وپایم را می‌بندد! این موضوع در حصن شورا مطرح شد. یک عزیز دیگر به آن رأی نداد: چرا؟ به‌واسطه اینکه ظراحتی حجت نظری بود؛ یک عزیز دیگر، به هر دلیلی نخواست رأی بدهد و... می‌خواهم بگویم شورا شهر را یک طرح همراهی نکرد و اجرا نشد. خود شورا بود که نخواست قدرت نظارتی‌اش را افزایش بدهد. این در حالی است که اگر شوراها بتوانند هر آن اندازه که مسئولیت دارند اختیار هم داشته باشند، به مفهوم نمی‌آید که به‌معنای دقیق قلعه رسیدند؛ و آنجاست که حتما اتفاقات بیفتد در شهرهای دارد راه خود هخود رخ دهد.

این عضو سابق شورای شهر تهران معتقد است شورا کاری جز نزصب شهردار که خیلی هم اکمان عزلسن را ندارد، به اضافه تصویب بودجه سالانه، وضع عوارض یا بهای خدمات انجام نمی‌دهد و در کنار آن دیگر برمی‌گردد به ابتکارات شخصی افراد که البته ابتکارات کمیسیونی و... همین را هم اگر شهرداری انجام آخرا کند. شما هیچ ابزاری جز طرح سؤال، دادن تذکر و استیضاح از شخص شهردار ندارید. بنابراین اگر نخواهد مصوبه‌ای را اجرا کند، به‌راحتی اجرا نمی‌کند و معطل می‌گذارد و خود این باز هم شورا را ضعیف‌تر می‌کند. من تصمیم این بود که با همین بضاعت مصوبه شوراها، این امکان وجود دارد که شورا بیاید و مصوباتی داشته باشد و شهرداری هم مثل یک متولی در دولت داشت و دولت هم حاضر نبود اختیاراتش را واگذار کند...؛ بنابراین به‌مرور این قانون چند بار تا امروز اصلاح شده و هر بار که اصلاح شده، یک بخش از این اختیارات را تراشیدند. علت عمده آن هم فارغ از تعارض منافع، یک تفاوت دیدگاه اساسی است که شورای نگهبان در این مورد دارد. این‌گونه است که بسیاری از ادارات حتی حاضر به انجام تکلیف‌هایی که اصلا در حیطه آنها می‌گذارد، نیستند و در عمل، شورا باید تازه وقت آنها را بازگرداند. درواقع باید گفت که «یک پارلمان محلی» باشد، به «شورای شهرداری» تبدیل شده است. این قانون نقیصه است که البته یک «نقیصه قانونی» است و کاملا هم از شواهد و قرائن برمی‌آید؛ یعنی هم در نگاه شورای نگهبان و هم در نگاه مجلس و هم از آن طرف در نگاه دیگر مجریان کاملا این موضوع مشهود است.

او ادامه می‌دهد: قانون شوراها به‌عنوان یک قانون یکپارچه در سال گذشته بعد شد و هیچ تمایز و تفاوتی بین شهرهای مختلف دیده نشده است. مشخصا شما در یک شهر کوچک یا یک جمعیت محدود به‌راحتی می‌توانید هر روز به شهردار تذکر بدهید. از شهردار طرح سؤال کنید و شورا را استیضاح کنید؛ یعنی شهردار آن‌قدر سرش شلوغ نیست که شورا اگر هر روز هم اعتراض کند، نتواند در جلسه شورا بیاید و پاسخ‌گو باشد؛ اما در شهری مثل تهران و حتی شهرهایی مثل مشهد، اصفهان و تبریز (شهرهای بزرگ) این امکان وجود ندارد. شهردار آن‌قدر درگیری دارد که ما شاهد این هستیم برای هر موضوعی حتی شهردار را خطاب قرار بدهید. از او سؤال یا او را استیضاح کنید. فرض کنید قلل شهردار مقطعه تخطفی می‌کند. آیا شما می‌توانید به شورای شهر بروید و از شورا بخواهید که استیضاح کنید؟! اصلا در این منطقی است؟ وقتی این امکان را از شورا می‌گیرند که بتواند دقیق‌تر نظارت کند و کل شهرهای کشور را به حرکت درآورد، به یک چیشه شاه می‌کنند. در عمل مشکل بزرگی پیش می‌آید. طبیعی است که در شهرهایی مثل تهران، شورا باید بتواند فراتر از شخص شهردار، معاونان شهردار، شهرداران مناطق، مدیران عامل سازمان‌ها و شرکت‌ها هم نظارت کند. این نظارت هم می‌تواند پیشینی و هم پسینی باشد. نظارت پیشینی به این مفهوم که شورا حتی می‌تواند به آنها رای اعتماد بدهد و استیضاح کند؛ یعنی هم اینکه در اجرا جایی که اینها درست عمل نمی‌کنند، به‌عنوان مثال شورا می‌تواند از مدیرعامل سازمان زیبایی در حصن شورا طرح سؤال کند و نهایتا او را استیضاح کند.

خود شورا نخواست قدرت نظارتی‌اش افزایش یابد

او که در شورای پنجم طرح ضمانت اجرای مصوبات شورا را مطرح کرد اما به سرانجام نرسید به «شرق» می‌گوید: متأسفانه شورا با این طرح همراهی نکرد. البته عرکسی از طرح خود باز این «عدم همراهی» چیست؟ مثلا یک‌سری از عزیزان گفت که من رأی به این طرح نمی‌دهم، چون اگر فردا روزی خودم شهردار شدم، این طرح دست‌وپایم را می‌بندد! این موضوع در حصن شورا مطرح شد. یک عزیز دیگر به آن رأی نداد: چرا؟ به‌واسطه اینکه ظراحتی حجت نظری بود؛ یک عزیز دیگر، به هر دلیلی نخواست رأی بدهد و... می‌خواهم بگویم شورا شهر را یک طرح همراهی نکرد و اجرا نشد. خود شورا بود که نخواست قدرت نظارتی‌اش را افزایش بدهد. این در حالی است که اگر شوراها بتوانند هر آن اندازه که مسئولیت دارند اختیار هم داشته باشند، به مفهوم نمی‌آید که به‌معنای دقیق قلعه رسیدند و آنجاست که حتما اتفاقات بیفتد در شهرهای دارد راه خود هخود رخ دهد.

فاصله زیادی شورا با آنچه در کشورهای پیشرفته اتفاق افتاده

او ادامه می‌دهد: ما باید شاهد ایجاد حضور محلی به عنوان شهرداری‌ها و مجلس محلی به عنوان شوراها باشیم؛ زمانی که شاهد ایجاد حکمرانی محلی در کنار حکمرانی مرکزی نباشیم ناکارآمدی ما ادامه خواهد داشت. حکمرانی محلی به این مفهوم که شهرداری‌ها تبدیل به دولت محلی و شوراها تبدیل به مجالس شوند و شهرداری‌ها در کشورهای شهرها به آنها واگذار شود. متأسفانه چنین نگرشی وجود ندارد. گرد سید محمد آقامیری، عضو دیگر شورای شهر تهران هم معتقد است: جایگاه فعلی شوراها تنها یک‌سوگ ۶۰ درصد از نیازهای پایتخت است و باید درباره این موضوع تذکر داد تا بتوانیم بسیاری از مشکلات شهر را با کمک دستگاه‌های دیگر و مشارکت مردم رفع کنیم. او عدم تحقق جایگاه اصلی شوراها به تحقق‌یافتن مدیریت واحد شهری مرتبط می‌داند و می‌گوید باید کارهایمان را در بخش‌های مختلف شهرداری تخصصی و مدیریت‌شده جلو ببریم و از نیروهای توانمند استفاده کنیم. مهدی افراوین، رئیس کمیته شورای شهر تهران هم معتقد است شورا نیازمند اختیاراتی مانند مجلس است. ما در حال حاضر نیازمند قوانین و مقررات خاص خود است و به شورایی خاص با اختیارات بیشتر نیاز دارد.

نقش نظارتی شوراست، البته در مسیر ایفای این وظیفه برای اعضای شورا حق سؤال از شهردار، تحقیق و تفحص از شهرداری، استیضاح و عزل شهردار را قائل شده و سیس به وظایف عمومی شورا درباره تصویب مصوبات و برنامه‌ها و... پرداخته شده است. این مسئله شاید نمایانگر آن است که نقش نظارتی شورا مهم‌ترین نقش و وظیفه قانونی آن است و اتفاقا مطالبه مردم از شورای شهر هم نظارت بر عملکرد شهردار، شورای و استیفای حقوق شهروندی و پایبندی عمل به شهر و حقوق عامه با اعمال نظارت است. اما آنچه در عمل رخ داده این است که شاهدیم اعضای شورا به جای اعمال نظارت و انجام وظایف قانونی شان در قامت یک منتقد و کشنگر تویتری یا یک وعده‌دهنده اقدامات و برنامه‌های شهرداری را در سطح دیگر به‌عنوان تایدکننده اقدامات شهرداری و مدافع اقدامات حتی غلط و مغایر قانون شهرداری ظاهر می‌شوند و همین مسئله نظارت شورا و نقش نظارتی شورا را کمرنگ می‌کند.

او ادامه می‌دهد: شهرداری هم چند تمایلی به تن‌دادن به نظارت شورا ندارد و شورای شهر به جای استفاده از ابزارهای قانونی خود به این مسئله رفته است که در اغلب مصوبات، شهرداری را ملزم به ارائه گزارش اجرای مصوبه در هر شش ماه یک‌بار به... می‌کند. گزارش‌هایی که البته اگر بررسی کنید، هیچ‌وقت از مصوبات شورای شهر به‌موقع و درست به دوا داده نشده است و شورای شهر هم در بیکبری این گزارش‌ها اقدام خاصی انجام نداده و نهایتا برای اعضای شورا به اعلام تذکر به شهرداری این موضوع را پیگیری کرده و بعد از آن تذکر نیز پیگیری و نظارت بر اجرای آن موضوع رها شده است. البته قانون‌گذار برای این مسئله پیش‌بینی لازم را کرده است و شورای شهر می‌تواند از طریق اعمال نظارت پیش از خرج یعنی هنگام تصویب بودجه، اعمال نظارت حین خرج از طریق اعمال نظارت یا استفاده از دی‌حساب و قائم‌مقامان دی‌حساب که با تایید شورا فعالیت می‌کنند و سر آخر با اعمال نظارت پس از خرج در هنگام تصویب تفریغ بودجه مهم‌ترین بخش نظارت خود یعنی نظارت مالی را اعمال کند. اگر شورا بر سر نظارت مالی خود بر شهرداری تعارف و ملاحظات سیاسی را کنار بگذارد، آن‌وقت می‌تواند ادعا کند پیگیر اعمال نظارت بر شهرداری بوده است. البته به‌جز این مطابق آیین‌نامه به شوراهاست و اساسا شهرداری که همین الان شورا مالی شوراهای اسلامی مصوب سال ۱۳۷۸ در بند ۴ ماده ۶ این آیین‌نامه یکی از وظایف رئیس شورای شهر معرفی افراد مورد تایید شورا برای ایفای انجام اقدامات موجود نیاز و نظارت بر حسن اجرای بندهای ۳ و ۴ ماده ۱۱ قانون شوراهاست؛ یعنی قانون‌گذار برای اعمال نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرح‌های مصوب در امور شهرداری (زیعنی بند ۳) و نظارت بر حسن اجرا و حفظ سرمایه و دارایی‌های نقدی، جنسی و اموال منقول و غیرمنقول شهرداری و همچنین نظارت بر حسن اجرای مصوبات و طرح‌های شهر به کمک جریان عادی امور شهرداری نباشد (یعنی بند ۸) پیش‌بینی لازم برای معرفی افراد مجری این اعمال نظارت را هم پیش‌بینی کرده است اما حب دقیق به عملکرد ادوار شورا مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که فقط در دوره پنجم از این اجرا اختیار استفاده شده است.

محمد سلامی، عضو سابق شورای شهر تهران هم معتقد است به جایگاه واقعی شوراها که در قانون اساسی پیش‌بینی شده نرسیده‌ایم و دلیل این مسئله نیز نگاه موجود در میان مسئولان اجرایی بوده که نگاه تمرکزگرایی است. با وجود تلاش‌های دوره‌های مختلف به ویژه برنامه سوم توسعه قرار بود تمیزی‌ها به نهاد شوراها سپرده شود اما هنوز شاهد تحقق این مسئله نیستیم. به اعتقاد من تنها راه اصلاح ناکارآمدی‌های موجود به‌خصوص با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کنند، پیاده‌سازی کامل قانون شوراهای محلی و ایجاد حکمرانی محلی در کنار دولت مرکزی است که باید اتفاق بیفتد.

فاصله زیادی شورا با آنچه در کشورهای پیشرفته اتفاق افتاده

او ادامه می‌دهد: ما باید شاهد ایجاد حضور محلی به عنوان شهرداری‌ها و مجلس محلی به عنوان شوراها باشیم؛ زمانی که شاهد ایجاد حکمرانی محلی در کنار حکمرانی مرکزی نباشیم ناکارآمدی ما ادامه خواهد داشت. حکمرانی محلی به این مفهوم که شهرداری‌ها تبدیل به دولت محلی و شوراها تبدیل به مجالس شوند و شهرداری‌ها در کشورهای شهرها به آنها واگذار شود. متأسفانه چنین نگرشی وجود ندارد. گرد سید محمد آقامیری، عضو دیگر شورای شهر تهران هم معتقد است: جایگاه فعلی شوراها تنها یک‌سوگ ۶۰ درصد از نیازهای پایتخت است و باید درباره این موضوع تذکر داد تا بتوانیم بسیاری از مشکلات شهر را با کمک دستگاه‌های دیگر و مشارکت مردم رفع کنیم. او عدم تحقق جایگاه اصلی شوراها به تحقق‌یافتن مدیریت واحد شهری مرتبط می‌داند و می‌گوید باید کارهایمان را در بخش‌های مختلف شهرداری تخصصی و مدیریت‌شده جلو ببریم و از نیروهای توانمند استفاده کنیم. مهدی افراوین، رئیس کمیته شورای شهر تهران هم معتقد است شورا نیازمند اختیاراتی مانند مجلس است. ما در حال حاضر نیازمند قوانین و مقررات خاص خود است و به شورایی خاص با اختیارات بیشتر نیاز دارد.

شوراها؛ روشن‌ترین نماد مردم‌سالاری دینی

پرویز سروری، رئیس شورای عالی استان‌ها

شوراها بی‌واسطه‌ترین حلقه ارتباطی مردم با حاکمیت و روشن‌ترین نماد مردم‌سالاری دینی هستند که در ۲۵ سالی که از تشکیل آن می‌گذرد، بنا به دلایل متعددی هنوز به جایگاهی که در قانون اساسی برای آن پیش‌بینی شده است، نرسیده‌اند. کدام نهاد را سراغ دارید که نمایندگان و اعضای آن از دل روستاهای کوچک تا شهرهای بزرگ توسط مردم انتخاب شده باشند؟ مردم، هموا